

علاوه بر پیوندهای عمیق و گسترده فرهنگی ایران و هند، این دو سرزمین فصل‌های مشترک تاریخی بسیاری را نیز به خود دیده‌اند. نواحی شرقی ایران همواره در پیوندی بسیار نزدیک با تاریخ شبه‌قاره هند بوده است. بسیاری از حکومتگران تاریخ هند ریشه در حکمرانان ایران داشته‌اند. بدیهی است زمینه‌های مشترک تاریخی و فرهنگی، بستر زایش آثار و تراوش‌های فکری و هنری بامضامین مشترک خواهد بود. از این روست که به جرأت می‌توان گفت بخشی از منابع و آثار تاریخی و ادبی فرهنگ و تمدن و تاریخ ایران را باید در سرزمین هند جست‌وجو کرد.

بسیاری از متون کهن تاریخی که امروز مورد استفاده محققان تاریخ قرار می‌گیرد یا نسخه دستنویس آنها نخستین بار در هند یافت شده‌اند، یا برای اولین مرتبه در هند به چاپ رسیده‌اند، یا نسخه‌هایی از دستنویس‌های آنها در کتابخانه‌های هند نگهداری می‌شوند و یا صرفاً در هند انتشار یافته و هنوز در ایران تصحیح یا چاپ نشده‌اند. کتاب حاضر نیز از این دست منابع است که در ایران کمتر شناخته شده است.

اگرچه بخش عمده گزارش‌های این اثر، قسمت مهمی از تاریخ هند در قرن‌های هفتم تا نهم را دربرمی‌گیرد اما فرازهایی از کتاب‌برای آگاهی از تاریخ غوریان در شرق ایران اهمیت دارد. کتاب، در واقع شرح رویدادهای مهم سیاسی و نظامی «سلاطین دهلی» است.

زمینه تاریخی

«سلطنت دهلی» از ۶۰۲ تا ۹۶۲ / ۱۲۰۶ تا ۱۵۵۵ بر شمال هند و گاهی تا شمال دکن^۱ حکمرانی داشت. اگرچه خاستگاه پادشاهان این دودمان، غلامان و سرداران ترک در دربار غوری بودند، اما می‌توان گفت ریشه‌های تاریخی این دوران از تاریخ هند را باید در تاریخ سلسله غوریان جست‌وجو کرد که از اوایل قرن پنجم تا سال ۶۱۲ هـ. ق / اوایل قرن یازدهم تا ۱۲۱۵ م. در نواحی غور^۲، خراسان و شمال غربی هند حکمرانی کردند.

معماران اصلی حکومت غوریان دو برادر بودند: غیاث‌الدین محمد و معزالدین محمد. غیاث‌الدین بیشتر در مغرب و معزالدین در هند به لشکرکشی و جنگ مشغول بودند. غیاث‌الدین به کمک سپاهیان بومی غوری و غلامان ترک، به مقابله با خوارزمشاهیان و امرای قراختایی که از دست نشاندگان خوارزمشاهیان بودند، برخاست و حتی یک بار به خوارزم حمله برد و قبل از مرگش تمام خراسان را تا بسطام به تصرف درآورد.

پس از مرگ سلطان معزالدین که در سال ۶۰۲ هـ. ق / ۱۲۰۶ م. اتفاق افتاد، سلسله غوریان در نتیجه مشاجرات داخلی از هم پاشید. عده‌ای از سربازان ترک که در خدمت غوریان بودند به سرکردگی تاج‌الدین ییلدز (ایلدز) در غزنین علم استقلال برافراشتند و سلاطین غوری فیروزکوه^۳ و بامیان^۴ توانستند آنها را از غزنین بیرون کنند.

تاریخ غوریان و سلاطین دهلی هند در کتاب تاریخ مبارک شاهی

• مجتبی تبریزیا

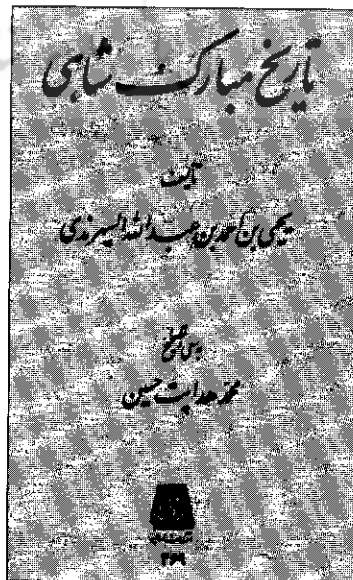
• تاریخ مبارک شاهی

• تألیف: یحیی بن احمد بن عبدالله السیهرندی

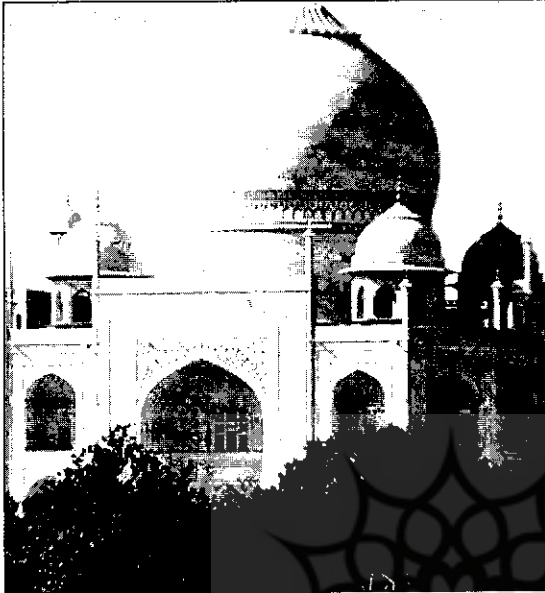
• به سعی و تصحیح: محمد هدایت حسین

• ناشر: اساطیر، تهران، چاپ اول، بهمن ۱۳۸۲

• ۲۷۸ ص، ۳۲۰۰ تومان، شابک ۸-۱۶۷-۳۳۱-۹۶۴



بنای تاج محل، هندوستان



یا خضرخانیه (۸۱۷-۸۴۷ / ۱۴۱۴-۱۴۵۱)، ۵- سلاطین سودی ۸۵۵-۹۳۲ / ۱۴۵۱-۱۵۲۶)، ۶- شاهان سوری (۶۴۷-۹۶۲ / ۱۵۴۰-۱۵۵۵)؛ حکمرانی سلاطین دهلی، توسط حکومت مغولان هند منقرض شد. کتاب تاریخ مبارک شاهی شرح اخبار سلاطین یاد شده است.

معرفی کتاب

کتاب تاریخ مبارک شاهی تألیف یحیی بن احمد بن عبدالله السیهرندی، یکی از منابع اصلی تاریخ سلاطین دهلی است که در سال ۸۳۸ هـ. ق. در زمان سلطنت مبارک شاه دوم ابن خضر، معزالدین (سلطنت ۸۲۴-۸۳۷ هـ. ق / ۱۴۲۱-۱۴۳۴ م.) و به نام او تألیف شده و به همو تقدیم شده است. مبارک شاه، دومین پادشاه از شاخه خضرخانیه سلاطین دهلی بود.

کتاب با ذکری از حکمرانی سلطان معزالدین آغاز می‌شود. علت این آغاز به گفته صریح مؤلف از آن رو است که «اسلام در ملک دهلی و اقالیم هندوستان از زمان سلطان معزالدین آشکار شد.» نخستین حادثه‌ای که از آن صحبت می‌شود، لشکرکشی معزالدین از غور به غزنین در سال ۵۶۹ هـ. ق / ۱۱۷۳ م. است. پس از آن به چگونگی قدرت‌گیری قطب‌الدین ایبک می‌پردازد که در سال ۶۰۲ هـ. ق / ۱۲۰۶ م. به حکومت لاهور رسید و آغازگر دوران حکومت سلاطین دهلی گردید.

نویسنده در ادامه به ذکر اخبار و رویدادهای سلاطین دهلی، به ترتیب و توالی زمانی، اما براساس دوران سلطنت هر کدام از آنها می‌پردازد و کتاب را به دوران حکمرانی مبارک شاه (سلطنت: ۸۲۴-۸۳۸ هـ. ق / ۱۴۱۴-۱۴۲۱) پایان می‌بخشد.

حکمرانانی که سیهرندی به شرح اخبار آنها پرداخته، همراه با تاریخ سلطنت آنها، به ترتیب عبارتند از:

بنابراین جلال‌الدین خوارزمشاه توانست قدم در میان گذارد و سرزمین‌های غوریان را به قلمرو خود ملحق سازد. اما سلطه خوارزمشاهیان دیری نپایید و اندک زمانی بعد سراسر بخش شرقی دنیای اسلام مغلوب لشکریان مغول به سرکردگی چنگیزخان شد. گذشته از این، سرداران ترک معزالدین محمد، سنت‌ها و سیاست‌های غوریان را در شمال هند ادامه دادند.

معزالدین امور متصرفات خویش را در هند به دست یکی از سرداران خود به نام قطب‌الدین ایبک سپرد. هنگامی که سلطان معزالدین سرگرم امور خراسان و جاهای دیگر بود، ایبک متصرفات غوریان را در پنجاب و دوآب و گنگ - جمنا گسترش داد و تا گجرات پیش تاخت. سردار دیگر معزالدین، به نام اختیارالدین محمد خلجی، بهار و بنگال (بنگاله) را متصرف شد و گوریا لخنوتی را پایگاه و مرکز خویش قرار داد و حتی به آسام لشکر کشید.

اگرچه دین اسلام در هند، نخست در قسمت سفلی دره رودسند به دست حکمرانان عربی که از سوی بنی امیه به مشرق گسیل شده بودند، انتشار یافت، و بعدها توسط غزنویان ترک نژاد، قدرت نظامی مسلمانان به هند شناسانده شد، اما در حقیقت در دوره غوریان و سرداران آنها بود که استقرار اسلام در شمال هند تثبیت شد، سلسله‌های کهنسال و مستقر هندو سرکوب شدند و بنیاد حکومت‌های مختلف اسلامی گذاشته شد.

در واقع این امر توسط سلاطین معروف به «سلاطین دهلی» (۶۰۲-۹۶۲ هـ / ۱۲۰۶-۱۵۵۵ م) به تدریج صورت گرفت.

هنگامی که معزالدین غوری در ۶۰۲ هـ. ق / ۱۲۰۶ م. وفات یافت، قطب‌الدین ایبک، از جانب سلطان غوری فیروزکوه به عنوان ملک در لاهور قدرت را به دست گرفت. از این زمان به بعد، بخش افغانستان و غزنه قلمرو غوریان از هند جدا شد و برای مدتی کوتاه به دست خوارزمشاهیان و سلطان جلال‌الدین، و سپس مغولان افتاد. اما سنت‌های غوریان، چه از لحاظ اقتدار مدنی و چه سازمان نظامی در شمال هند در حکومت امرای مسلمانی که پس از غوریان فرمانروایی یافتند، زنده مانده و ادامه یافت.

سقوط غوریان به دست خوارزمشاهیان و به حکومت رسیدن قطب‌الدین ایبک در لاهور را در واقع باید آغاز دوران حکمرانی «سلاطین دهلی» دانست که از ۶۰۲ تا ۹۶۲ هـ. ق / ۱۲۰۶-۱۵۵۵ به طول انجامید.

اگرچه حکمرانان «سلطنت دهلی» را امرای ترک سپاه غوریان تشکیل می‌دادند، اما آنها نیز از یک سلاله نبودند. این امر به سه خانواده مختلف منسوب بودند که به توالی تاریخی و در پی یکدیگر به قدرت رسیدند و در مجموع شش شاخه حکومتی را تشکیل دادند: ۱- غلامشاهیان (یا پادشاهان مملوک) معزی یا شمس (۶۰۲-۶۸۹ هـ. ق / ۱۲۰۶-۱۲۹۰ م)، ۲- خلجیان (۶۸۹/۷۲۰ هـ. ق / ۱۲۹۰-۱۳۲۰ م)، ۳- تغلقه یا تغلق شاهیان (۷۲۰-۸۱۷ هـ. ق / ۱۳۲۰-۱۴۱۴ م)، ۴- سلسله سادات

کتاب تاریخ مبارک شاهی
تألیف یحیی بن احمد
بن عبدالله السیهرندی،
یکی از منابع اصلی تاریخ
سلاطین دهلی است که در
سال ۸۳۸ هـ. ق. در
زمان سلطنت مبارک شاه
دوم ابن خضر، معزالدین
(سلطنت ۸۲۴-۸۳۷
هـ. ق / ۱۴۲۱-۱۴۳۴ م.)
و به نام او تألیف شده و به
همو تقدیم شده است.
مبارک شاه، دومین پادشاه
از شاخه خضرخانیه
سلاطین دهلی بود

اگرچه بخش عمده گزارش‌های این اثر، قسمت مهمی از تاریخ‌هند در قرن‌های هفتم تا نهم را در برمی‌گیرد اما فرازهایی از کتاب‌برای آگاهی از تاریخ غوریان در شرق ایران اهمیت دارد

الف - سلاطین شاخه غلامشاهیان (یا پادشاهان مملوک)، معزی یا شمسی

۱. معزالدین محمد: ۵۶۹-۶۰۲ / ۱۱۷۳-۱۲۰۶
۲. قطب‌الدین ایبک: ۶۰۲-۶۰۷ / ۱۲۰۶-۱۲۱۰
۳. شمس‌الدین ایلتمش ۶۰۷-۶۳۳ / ۱۲۱۱-۱۲۳۶
۴. رکن‌الدین فیروزشاه ۶۳۳-۶۳۴ / ۱۲۳۶-۱۲۳۶
۵. سلطان رضیه بیگم دختر ایلتمش ۶۳۴-۶۳۷ / ۱۲۳۶-۱۲۴۰
۶. معزالدین بهرام شاه ابن ایلتمش ۶۳۷-۶۳۹ / ۱۲۴۰-۱۲۴۲
۷. علاءالدین مسعودشاه ۶۳۹-۶۴۴ / ۱۲۴۲-۱۲۴۶
۸. ناصرالدین محمودشاه ۶۴۴-۶۶۴ / ۱۲۴۶-۱۲۶۶
۹. غیاث‌الدین بلبن (بلبن) ۶۶۴-۶۵۶ / ۱۲۶۶-۱۲۸۷
۱۰. معزالدین کیقباد ۶۸۶-۶۸۹ / ۱۲۸۷-۱۲۹۰
۱۱. شمس‌الدین کیکاووس ۶۸۹ / ۱۲۹۰

ب - سلاطین شاخه «خلجیان»:

۱۲. جلال‌الدین فیروزشاه ۶۸۹-۶۹۵ / ۱۲۹۰-۱۲۹۶
۱۳. علاءالدین محمدشاه ۶۹۵-۷۱۵ / ۱۲۹۶-۱۳۱۶
۱۴. قطب‌الدین مبارک شاه ۷۱۶-۷۲۰ / ۱۳۱۶-۱۳۲۰
۱۵. ناصرالدین خسروخان ۷۲۰ / ۱۳۲۰

ج - سلاطین تغلیقه یا تغلق شاهیان:

۱۶. غیاث‌الدین تغلق شاه ۷۲۰-۷۲۵ / ۱۳۲۰-۱۳۲۵
۱۷. محمدشاه پسر غیاث‌الدین تغلق شاه ۷۲۵-۷۵۲ / ۱۳۲۵-۱۳۵۱
۱۸. کمال‌الدین فیروز شاه سوم ۷۵۲ / ۱۳۵۱
۱۹. تغلق شاه پسر فتح خان پسر فیروزشاه ۷۹۰-۷۹۱ / ۱۳۸۸-۱۳۸۹
۲۰. ایوبکر شاه ۷۹۱-۷۹۳ / ۱۳۸۹-۱۳۹۱
۲۱. محمدشاه پسر فیروزشاه ۷۹۱-۷۹۶ / ۱۳۸۹-۱۳۹۴
۲۳. علاءالدین سکندر شاه ۷۹۶ / ۱۳۹۴
۲۴. محمود ناصرالدین شاه ۷۹۶-۷۹۷ / ۱۳۹۴-۱۳۹۵

د - شاخه سادات یا خضرخانیه

۲۴. رایث اعلی خضرخان ۸۱۷-۸۲۴ / ۱۴۱۴-۱۴۲۱
 ۲۵. معزالدین مبارک شاه دوم ابن خضر ۸۲۴-۸۳۷ / ۱۴۲۱-۱۴۳۴
 ۲۶. محمد شاه چهارم پسر فریدشاه ۸۳۷-۸۴۷ / ۱۴۳۴-۱۴۴۳
- اگرچه تاریخ سلاطین دهلی تا سال ۹۶۲ هـ. ق / ۱۵۵۵ ادامه می‌یابد و سلاطین دو شاخه دیگر («لودی» و «سوری») نیز به قدرت می‌رسند تا این‌که توسط دولت مغولان هند از بین می‌روند، اما کتاب حاضر به زمان نگارش کتاب، یعنی اواخر سلطنت مبارک شاه (۸۳۸ هـ. ق) ختم می‌گردد.

این اثر نیز مانند منابع تاریخی قرون میانه، به شیوه تاریخ‌نگاری سیاسی نگارش یافته و عمدتاً مشتمل بر شرح‌رویدادهای سیاسی مهم، جنگ‌ها، لشکرکشی‌ها، فتوحات و شکست‌ها، جانشینی‌ها، دست به دست گشتن قدرت، کشمکش‌های داخلی میان امرا و جانشینان آنها، فتنه‌ها و شورش‌ها و حوادثی از این دست است.

براساس اطلاعات صفحه عنوان اصلی کتاب، می‌توان گفت اصل کتاب توسط محمد هدایت حسین - «ناظر مدرسه عالی کلکته» - برای انجمن آسیایی بنگال، مقابله و تصحیح شده و در سال ۱۹۳۱ در کلکته هند منتشر شده است. این چاپ از مقدمه‌ای کوتاه به زبان انگلیسی و نمایه اسمی اشخاص و مکان‌ها و فهرست‌مطالب نیز برخوردار است. کتاب به همین صورت، از سوی انتشارات اساطیر چاپ افست شده است. چندی پیش نیز دو کتاب دیگر از منابع تاریخی بسیار ارزشمند چاپ هند، به همین شیوه در مجموعه انتشارات اساطیر به طبع رسید.^۶

اهتمام انتشارات اساطیر به چاپ متون تاریخی که اینک آن‌مؤسسه را به ناشری تخصصی در زمینه منابع تاریخی تبدیل ساخته، جای تقدیر فراوان دارد. بسیاری از منابع دست اول تاریخی که تاکنون از سوی این انتشارات به چاپ رسیده‌اند، از تعداد صفحات و حجم زیادی برخوردار بوده‌اند.^۷ علاوه بر مخارج سنگین چاپ، بازگشت سرمایه نیز در چنین کتاب‌هایی بسیار طولانی است؛ زیرا مخاطبان خاص و محدود دارد و توان خرید بالایی می‌طلبد که از عهده هر دانشجو و محقق بر نمی‌آید. از این رو باید به‌ریسک‌پذیری، جرأت و توان مدیریت این انتشارات تیریک گفت.

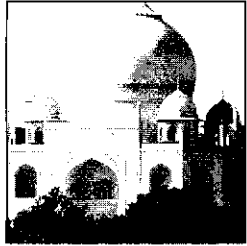
اما با همه احترام و سپاسی که باید برای انتشارات اساطیر قائل شد، نمی‌توان از وجود نقایص مهمی که به‌ویژه در کتاب حاضر تاریخ مبارک‌شاهی مشاهده می‌شود، چشم‌پوشی کرد. (این اشکالات بر دو کتاب دیگر چاپ هند که از سوی انتشارات اساطیر چندی قبل منتشر شده‌اند نیز کمابیش وارد است).^۸

۱- کتاب، چاپ افست از روی چاپ هند است که بدون کمترین تغییری، دقیقاً به همان صورت اصلی، به چاپ رسیده است. این خود اشکالات زیر را نشان می‌دهد.

۲- اگرچه شکل غیرمعمول حروف در چاپ اصلی کتاب برای فارسی‌زبانان - با اندکی سختی- قابل خواندن است، اما اگر متن، حروفچینی و تایپ مجدد می‌شد، خواندن آن راحت‌تر بود.

۳- کتاب از سوی ناشر یا محقق ایرانی بازبینی نشده و حداقل، تصحیح انجام شده در چاپ اصلی، برای خوانندگان فارسی‌زبان تغییر نکرده است. به‌ویژه آن‌که تصحیحات متن اصلی در زیرنویس‌ها به زبان انگلیسی است. بنابراین حداقل کاری که می‌شد انجام داد، ترجمه یادداشت‌های مصحح، از انگلیسی به فارسی بود.

۴- کتاب فاقد هرگونه مقدمه و پیش‌سخن در چاپ ایران است. خواننده فارسی‌زبان برای آگاهی از موضوع و محتوای کتاب یاباید انگلیسی بداند تا اطلاعات کوتاه و مختصر مقدمه انگلیسی متن اصلی



کتاب، در واقع شرح
رویدادهای مهم سیاسی و
نظامی «سلاطین دهلی»
است.

استان‌های غزنی و ارزگان، از خاور به استان‌های بغلان، پروان و ورداق (وردک) و از باختر به استان‌های سرپل و غور محدود می‌گردد. مرکز آن، شهر بامیان است. این شهر در دره‌ای پر آب در بخش علیای کوه‌های بابا که بیش از دو هزار و پانصد متر بلندی دارد، قرار گرفته است...

تاریخ بامیان به اوایل دوره کوشانیان از سده نخست میلادی بازمی‌گردد که آیین بودا را تا نواحی شمالی هندوکش گسترش دادند. بامیان که بر سر راه قدیمی هند به چین قرار داشت، به تدریج به مرکز تجاری - مذهبی مهمی بدل شد. موقعیت بامیان و ثروتی که از راه نذورات زوار و بازرگانانی که از آنجا عبور می‌کردند، به دست آورد، موجب شد که به یکی از بزرگ‌ترین مراکز آیین بودا تبدیل گردد و آثار بدیع از هنر بودایی در آنجا پدید آید... آیین بودا در سده‌های نخستین اسلامی نیز در ناحیه بامیان رواج داشت... در ۲۵۶ هـ. ق این ناحیه به تصرف یعقوب لیث صفاری درآمد و معابد آن ویران و تاراج شد و از آن تاریخ بامیان دچار فقر و فراموشی گردید... در عصر غوریان، بامیان به تصرف علاءالدین حسین جهانسوز درآمد و وی برادر بزرگ‌تر خود، فخرالدین مسعود رایه حکومت بامیان و تخارستان گمارد و از همین زمان شاخه آل شنسب یا شنسبیان از حکومت غوریان در بامیان تأسیس شد که پس از هفتاد سال حکومت، در سال ۶۱۲ هـ. ق به دست خوارزمشاهیان منقرض شدند. این شهر توسط سپاهیان چنگیز ویران شد. در روزگار معاصر به خاطر آثار تاریخی‌اش مورد توجه و رونق قرار گرفت اما در حوادث سیاسی افغانستان، دستخوش ویرانی گردید.

۵ - پاسورث، ادموند کلیفورد: سلسله‌های اسلامی جدید، راهنمای گاهشماری و تبارشناسی، ترجمه: دکتر فریدون بزره‌ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز)، چاپ اول، ۱۳۸۱، صص ۵۷۱-۵۷۹. در این کتاب اطلاعات مختصر اما جامعی از تاریخ سلسله‌های حکمرانی دوران اسلامی، از جمله هند، آورده شده است که خوانندگان برای اطلاعات بیشتر می‌توانند بدان مراجعه نمایند.

۶ - سپهرندی، یحیی بن احمد بن عبدالله: تاریخ مبارک‌شاهی، به سعی و اهتمام محمد هدایت حسین، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۴

۷ - به عنوان نمونه از کتاب خاطرات عین السلطنه در ده جلد و بیش از هشت هزار صفحه، تاریخ طبری در پانزده جلد و تاریخ کامل این اثر که در دست ترجمه است و تاکنون جلد یازدهم آن منتشر شده است می‌توان نام برد.

۸ - این دو کتاب عبارت‌اند از:

بیات، بایزید: تذکره همایون و اکبر، به اهتمام: محمد هدایت حسین، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۴۵۴، ص ۴۷۰۰۰ ریال، شابک: ۶-۱۶۸-۳۳۱-۹۶۴

بکری، محمد معصوم: تاریخ سند معروف به تاریخ معصومی، به‌اهتمام: عمر بن محمد داود پونه، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۴۰۲، ص ۴۰/۰۰۰ ریال، شابک: ۳-۱۶۴-۳۳۱-۹۶۴

را بخواند و یا به جستجوی طولانی دست بزند تا با کمک منابع دیگر به موضوع اثر پی ببرد و یا قبلاً درباره کتاب‌شناخت داشته باشد. در این مورد نیز، اگر برای ناشر تهیه مقدمه‌ای درباره کتاب مقدور نبود، دست کم ترجمه مقدمه انگلیسی مصحح برچاپ اصلی می‌توانست تا حدودی راهگشا باشد.

البته ناگفته نپیداست که انتشارات اساطیر با آن سابقه درخشان و تجربه سالیان طولانی در انتشار کتاب‌های ارزشمند با بهترین ویژگی‌های فنی و چاپی، بر این نقصان‌ها واقف بوده و حتماً دلایلی برای آن داشته است، هدف این نوشته هم بیشتر آشنایی اهل تحقیق با موضوع و محتوا و کاربرد کتاب در عرصه تحقیقات تاریخی بوده، نه عیب‌جویی و نقد عملکرد ناشر، چه این‌که، دست کم به‌همت این انتشارات چند منبع اصیل تاریخی در دسترس محققان قرار گرفته است، اما سخن این است که فقدان اشکالات یاد شده، اثر را به کمال می‌رساند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- دکن: نامی که به قسمتی از شبه جزیره هند واقع در جنوب‌رود نرپدا و به معنی محدودتر به فلات قسمت مرکزی شبه جزیره هند اطلاق می‌شود و تقریباً مشتمل است بر همه میسور و جنوب‌حیدرآباد، جنوب شرقی بمبئی و شمال غربی مدرس. (دایرةالمعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ذیل مدخل «دکن»).

۲- غور: سرزمین کوهستانی تاریخی، در افغانستان کنونی، میان دره هیرمند و هرات تقریباً منطبق با هزارستان کنونی است که مسکن طایفه هزاره می‌باشد. ولایت غور قسمتی از قلمرو سامانیان و غزنویان را تشکیل می‌داد و غوریان (آل شنسب) که پس از غزنویان به قدرت رسیدند، از این ولایت نام گرفته‌اند. (دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ذیل واژه «غور»).

۳- فیروز کوه: پایتخت سلاطین غور، که در کوهستان شمال‌هرات بر مسیر علیای هری‌رود واقع بود و محل آن را با آبادی کنونی‌جام در افغانستان مطابق شمرده‌اند. شهر را قطب‌الدین محمد غوری (فوت ۵۴۱ هـ. ق) بنا نهاد و آن متجاوز از ۶۰ سال پایتخت مملکت غوریان بود. علاءالدین خوارزمشاه آن را تصرف کرد (۶۰۷ هـ. ق) و عاقبت به دست اوگتای، پسر چنگیز ویران شد (۶۱۹ هـ. ق). (دایرةالمعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ذیل واژه «فیروزکوه»).

۴- بامیان: دره و گردنه‌ای در قسمت غربی کوه‌های هندوکش، شمال شرقی افغانستان کنونی، به فاصله ۹۵ کیلومتری شمال و شمال غربی کابل، سکنه آبادی‌های کنونی آن بیشتر به زبان فارسی صحبت می‌کنند. (دایرةالمعارف فارسی، به سرپرستی غلامحسین مصاحب، ذیل واژه «بامیان»).

در جلد یازدهم دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل «بامیان» چنین آمده است: «بامیان نام ولایت (استان) و شهری کهن در مرکز افغانستان است. این استان از شمال به استان‌سمنگان، از جنوب به